



## هزار توی فرهنگ و هنر

سید رضاصالحی امیری: قطعاً مسیر ما تسلیم در مقابل سلیقه‌ها و برداشت‌های محلی نیست

«هنر مدیریت تدبیر باز کردن قفل است. اینکه فکر کنیم در فضایی گل و بلبل زندگی می‌کنیم و همه چیز با منطق در حال حرکت است طبعاً نوعی خیال پردازی است. از یک طرف هم نباید احساس کنیم در محیطی زندگی می‌کنیم

که همه چیز سیاه است.» اینها را سید رضاصالحی امیری می‌گوید. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که نزدیک به صد روز از نشستن او بر مسند وزارت می‌گذرد. وزارتخانه‌ای که تا پیش از او با فشارها و چالش‌های بسیاری روبه‌رو بود و در نهایت هم همین حاشیه‌ها او را وارد گود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کرد. گفت‌وگوی حاضر تلاش دارد تا آذهان عمومی را نسبت به برخی موانع و فشارهای پیش‌روی وزارت ارشاد مثل لغو کنسرت‌ها و موج تخریب علیه ارشاد شفاف کند.

به دو شکل متصور است. یک، انسجام مکانیکی دوم، انسجام ارگانیکی. انسجام مکانیکی یعنی وزیر از طریق دستورالعمل باید با وبخشنامه‌ها و نظام اجبار سازی نظام را راهبری و منسجم کند و سطح دیگرش انسجام ارگانیکی است؛ یعنی با ایجاد باورهای درونی، همگرایی فکری، همدلی و هم‌نواپی و سازگاری فکری این مجموعه را به سمت اهداف متعالی راهبری کند.

سیاست قطعی بنده در تجربه مدیریتی بیش از ۳۰ سال گذشته بر رویکرد انسجام ارگانیکی مبتنی است، یعنی به جای نظام پایه‌ها مبتنی است بر نظام باورها. اساساً وزیر ارشاد باید رویکردش گسترش باورها باشد. جنس فرهنگ نرم است و از جنس تعاملی، اشاعه و گفت‌وگوست و در فضای فرهنگی باید با خیلی جایگاه محکمی ندارند، بلکه این باورهاست که می‌تواند در جهت تعالی یک سازمان حرکت کند. در جامعه هم همین گونه است و این سطح اول، کار و رسالت وزیر است. سطح دوم که بسیار مهم است محیط فرهنگی است. وزیر باید بداند که فرهنگ ملک مشاع است و قاعده ملک مشاع این است که دیگران در آن سهمی دارند. این رویکرد مطلق نگر در محیط فرهنگی به منازعه فرهنگی منجر خواهد شد. در محیط فرهنگی مجموعه‌ای از سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های فرهنگی مداخله و حضور دارند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ستاد فرهنگی دولت است و در یک منظومه فرهنگی تعریف شده است. در این منظومه شورای عالی انقلاب فرهنگی است و در ذیل آن نهادهای فرهنگی مستقر هستند. این نهادها سه سطح هستند؛ سطح اول رسمی است مثل وزارت ارشاد، وزارت



مریم سعادت گوشه  
خبرنگار

قبل از اینکه شمار بر مسند وزارت فرهنگ و ارشاد بنشینید علی جنتی از فشارها و اتاق فکری که برای مقابله با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عمل می‌کردند، سخن می‌گفت که در آخر هم ایشان را مجبور به استعفا کرد؛ صد روز از وزارت شما می‌گذرد آیا هنوز آن دغدغه‌ها و فشارها وجود دارد؟ از ابتدا هم شما می‌خواستید زمین فرهنگ را از سیاسیون خالی کنید، فکری کنید در این صدور توافق خاصی افتاده است؟

مسئله اساسی در مدیریت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان جایگاه «وزیر» در حقیقت آگاهی نسبت به محیطی است که در آن قرار می‌گیرد. اگر «وزیر» نسبت به محیط خود شناخت کافی داشته باشد، مدیریت روان و منطقی خواهد داشت. سه محیط با ارشاد در تعامل هستند؛ یکی محیط داخلی که مجموعه‌ای از ۲۰ سازمان و معاونت و مؤسسه و مرکز و بنیاد است.

مهم‌ترین کار «وزیر» در داخل ایجاد یک انسجام درونی میان افراد سازمان و حرکت و راهبری در جهت اهداف متعالی است. نخستین نکته در حوزه مدیریت وزارتخانه آگاهی نسبت به محیط داخلی است. محیط داخلی مهم‌ترین رویکرد «وزیر»، ایجاد انسجام و همگرایی بین افراد داخل وزارتخانه در جهت اهداف متعالی است.

در واقع مثل ارگتری که باید هم‌نوازی کند...

من تعبیرم مثل قطاری است که واگن‌هایش به هم چسبیده است و باید به سمت هدف معین راهبری کرد. این انسجام

چند خط درباره

«فرهنگ و هنر» در سالی که گذشت

«امید» را هدف گرفته بودند  
«امید» پیروز شد

به جای مقدمه

پژمان موسوی

دبیر گروه فرهنگ و هنر



سال ۱۳۹۵ هم به آخر خط رسید! سالی که کم نبود در آن روزهای تلخ و البته روزهای شیرین، روزهایی که برخی شان تا همیشه در خاطر اهالی فرهنگ و هنرمی ماند و روزهایی که کاش فراموشی رسیدند و کاممان را تلخ نمی‌کردند؛ فقدان عباس کیارستمی شناخته شده‌ترین کارگردان ایرانی، شاید که نه، حتماً تلخ‌ترین روز سال برای اهالی هنر ایران بود؛ روزی که سینمای ایران به دلایلی پزشکی که هنوز هم نه برای مردم و نه برای خانواده کیارستمی شفاف و روشن نیست، جهانی‌ترین چهره خود را از دست داد و در سوگی بی‌امان نشست. کاش در نوشته هم می‌شد به احترام او یک دقیقه «سکوت» کرد، تمام قد ایستاد و به احترامش کلاه از سر برداشت...

سال ۹۵ سال بیم‌ها و امیدها بود؛ سالی که عده‌ای تمام تلاش شان را بر «ناامیدی» اهل فرهنگ گذاشتند و نتوانستند بر آن تاختند، یک روز کنسرت‌های موسیقی را بهانه کردند، روزی دیگر جشنی سینمایی را، دیگر روز از تریبون رسانه ملی طبل جدایی و افتراق سینماگران را فریاد زدند و در طول روزهای بی‌سوگی شان هم در میان تئاترهای روی صحنه یا کتاب‌های منتشر شده جست‌وجو کردند تا سوژه‌ای بیابند برای حمله به جریان مستقل فرهنگ و هنر ایران. آخرین تیر ترکش شان را هم خرج مثلاً بدنامی علی جنتی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی کردند تا شاید با جدایی او از وزارتخانه، جریان مورد نظر شان را در رأس این وزارتخانه حاکم کنند، اما با هوشمندی و درایت اهالی فرهنگ از یک سو و رئیس جمهوری از سوی دیگر، جدایی علی جنتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به برگ زرین دیگری در کارنامه «امید» مبدل گشت و اهالی فرهنگ چه در مراسم تودیع، چه در مواجهه‌ها و موضع‌گیری‌هایشان درباره او، دریغ و دردشان را از جدایی وی از کاروان فرهنگ با صدای بلند فریاد زدند و «آبرومندان» و وزیر متواضع سابق فرهنگ را «بدرقه» کردند و امیدوارانه به «استقبال» سید رضاصالحی امیری سکاندار تازه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتند.

سال ۹۵ را در یک ارزیابی کلی و بدون جانبداری می‌توان سال جهش در حوزه فرهنگ و هنر دانست؛ آمار خیره‌کننده فروش سینماها، رونق سالن‌های تئاتر و گالری‌ها، استقبال از طرح‌های کتاب و کتابخوانی، سالن‌های کنسرت شلوغ و پرامید و مواردی از این دست همه و همه حکایت از یک سال پررونق در حوزه فرهنگ و هنر دارد؛ البته که این‌ها به هیچ‌روی به معنای شرایط ایده‌آل نیست و هنوز هم کاستی‌ها و نواقص بی‌شمارند اما موضوع، حرکت روبه جلو جریان مستقل فرهنگ و هنر ایران است؛ حرکتی که بی‌توجه به حاشیه‌ها و حملات سازمان یافته، نه تنها امید خود برای فردایی بهتر را از دست نداده که هر روز پرامیدتر از روز پیش از آن، تنها و تنها به مخاطبی می‌اندیشد که حیات و ممانتش وابسته به آن است؛ مخاطبی که شادی می‌خواهد، مخاطبی که بهانه‌ای برای تفکر و اندیشیدن می‌خواهد و مخاطبی که مهم‌تر از همه این‌ها احترام و تکریم می‌خواهد...

فرهنگی

www.iran-newspaper.com